

زندانی کردن شوهر ممتنع از پرداخت نفقه

سیده محمدرضا آیتی*

دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

عبدالجبار زرگوش نسب

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۱۴)

چکیده:

در این نوشتار به دلایل و آرای فقها در باره زندانی کردن شوهری که از پرداخت نفقه همسرش خوداری می کند، پرداخته شده است. براساس این پژوهش چنین شوهری در صورتی که توان مالی داشته باشد زندانی می شود و نظر آن دسته از مفتیان اهل سنت که گفته اند اگر زوج معسر باشد نیز حبس تعزیری می شود، درست نیست؛ زیرا هم با آیه اعسار «اگر کسی معسر و تنگدست باشد به او مهلت دهید تا وقت توانگریش» (بقره، ۲۸۰) منافات دارد و هم با بعضی از روایات در تعارض است. نظر دسته ای دیگر از علمای قایل به عدم جواز حبس شوهر هر چند دارای تمکن مالی به دلیل اینکه زن می تواند عقد نکاح را فسخ کند و نیازی به زندانی کردن نیست، صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا موجبات فسخ نکاح در شرع معین و مشخص شده و عدم پرداخت نفقه از آن عیوب و موجبات نیست. علما و فقهای شیعه و اهل سنت در باره موضوع مطرح شده اختلاف نظر دارند و بر چند دسته اند؛ فقهای شیعه بر سه دسته و فقهای اهل سنت بر چهار دسته هستند که نظرات آنها مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی:

زندانی، زوج، زوجه، نفقه، فقهای شیعه، فقهای اهل سنت.

مقدمه

در فقه و قانون مدنی سعی شده از هر لحاظ برای حقوق زن امکانات لازم در نظر گرفته شود. از جمله در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. در ماده ۱۱۱۱ نیز چنین آمده: زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. فقها درباره زندانی کردن شوهر ممتنع از پرداخت نفقه بر چند دسته هستند؛ فقهای شیعه بر سه دسته اند؛ دسته‌ای به حبس چنین شوهری فتوا داده‌اند؛ دسته‌ای دیگر گفته‌اند: قاضی چنین شوهری را وادار کند تا نفقه همسرش را پرداخت کند. یکی از راههای وادار کردن او به پرداخت نفقه حبس است. دسته سوم قائل به تفصیل شده‌اند؛ به این صورت که قاضی او را به یکی از دو امر انفاق یا طلاق ملزم می‌کند و اگر امتناع ورزد؛ قاضی از طرف وی طلاق می‌دهد. فقهای اهل سنت در این خصوص بر چهار دسته هستند: به نظر دسته اول، زوج حتی اگر معسر و تنگدست باشد زندانی می‌شود. دسته دوم قایل شده‌اند به این که زوج مالدار در صورت خودداری از پرداخت نفقه حبس می‌شود. به نظر دسته سوم، زن می‌تواند عقد را فسخ کند و یا این که قاضی او را طلاق دهد. و نظر دسته چهارم این است که زوج حبس می‌شود تا هنگامی که یکی از دو امر پرداخت نفقه یا طلاق را انتخاب کند.

این پژوهش به موارد اختلاف و اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت می‌پردازد. پرسش اساسی آن است که شرایط زندانی کردن شوهر ممتنع از پرداخت نفقه از دیدگاه فریقین چیست؟ آیا در صورتی که یکی از زوجین در زندان باشد شوهر به پرداخت نفقه مجبور می‌شود؟ در صورت خودداری کردن از پرداخت نفقه حکمش چیست؟ مدت زندان زوج ممتنع از پرداخت نفقه چقدر است؟ دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت در این زمینه چگونه است؟ برای پاسخگویی به سؤالات فوق، نظر فقهای فریقین و مستنداتشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. آراء، نظرات و ادله فقهای شیعه و اهل سنت

۱-۱. آراء و نظرات فقهای شیعه در باره حبس شوهر

آرای فقهای شیعه در باره شوهری که از پرداخت نفقه خودداری می‌کند به سه دسته تقسیم

می‌شود:

۱-۱-۱. دسته اول: زندانی کردن شوهر ممتنع از پرداخت نفقه

براساس نظرات این دسته از فقها، شوهری که از پرداخت نفقه خودداری می‌کند، زندانی می‌شود؛ زیرا خودداری کردن از پرداخت نفقه که حق زن است ظلم می‌باشد و در اثر آن زن اذیت و متضرر می‌شود؛ مگر این که شوهر معسر و تنگدست باشد که در این صورت، مشمول آیه اعسار می‌شود: «وإن كان ذو عسرة فنظره الی میسره» (بقره، ۲۸۰). یعنی اگر کسی معسر و تنگدست باشد به او مهلت دهید تا اینکه تمکن مالی پیدا کند. شیخ طوسی در «الخلافا» می‌فرماید: «هر گاه نفقه‌ی روزانه با هزینه اضافه بر یک روز برای همسر یا غیر او از خویشاوندان نسبی بر مرد واجب شد و مرد از پرداخت آن امتناع ورزد زندانی می‌شود، اگر باز هم نداد و چیزی از جنس نفقه داشت قاضی از آن می‌دهد و اگر از غیر جنس باشد آن را از جانب او می‌فروشد و به واجب النفقه می‌دهد. شافعی نیز همین نظر دارد. ابو حنیفه گفته است: اگر از جنس نفقه چیزی داشته باشد می‌دهد وگرنه قاضی او را زندانی می‌کند» (طوسی، ۱۴۰۹ق، خلاف، ج ۵، ص ۱۲۹). در کتاب «مبسوط» حبس زوج به دارا بودن مقید شده است ولی در کتاب خلاف بطور مطلق آمده است. البته می‌توان آن را تقیید زد و بر دارا بودن حمل کرد. ایشان گفته است: «اگر شوهر توان پرداخت نفقه داشته باشد ولی ندهد، قاضی او را به پرداخت نفقه موظف می‌کند؛ اگر نداد او را مجبور می‌کند؛ اگر باز نداد وی را به زندان می‌افکند تا بر همسرش انفاق کند» (طوسی، ۱۴۱۷ق، مبسوط، ج ۶، ص ۲۲). محقق حلی در شرائع قایل به حبس ممتنع از ادای نفقه شده و گفته است: «اگر در پرداخت نفقه واجب خودداری و تعلل کرد، قاضی وی را مجبور می‌سازد اگر امتناع ورزید او را زندانی می‌کند» (حلی، ۱۳۸۹ق، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۳). علامه حلی در دو کتاب خود «تحریر الاحکام و قواعد الاحکام» به حبس زوج دارا در صورت امتناع ورزیدن از پرداخت نفقه تصریح کرده است و در کتاب «مختلف الشیعه» در مورد حبس زوج معسر توقف کرده است. پس نظر ایشان همانند نظر شیخ طوسی است یعنی در صورتی که زوج توانا باشد و نفقه همسرش را پرداخت نکند زندانی می‌شود؛ ولی اگر معسر و نادر باشد زندانی نمی‌شود. ایشان در قواعد الاحکام گفته است: «اگر زوج دارا نفقه را به تأخیر بیندازد؛ قاضی او را مجبور می‌سازد و اگر خودداری کرد زندانی اش می‌کند. وی در باره نفقه خویشان نزدیک گفته است: اگر در نفقه ایشان تأخیر کرد قاضی وی را وادار می‌کند و اگر امتناع ورزید او را زندانی می‌کند» (حلی، ۱۴۱۳ق، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۵۶). در تحریر الاحکام گفته است: «اگر دارا در نفقه دادن سستی کرد و نداد قاضی وی را مجبور می‌کند، بدهد؛ اگر امتناع کرد زندانی می‌شود تا نفقه بدهد.... نفقه خویشان نزدیک از این جهت که کمک به رفع احتیاج است واجب می‌شود.... اگر دارا از پرداخت نفقه سرباز زد برای کسانی که واجب النفقه هستند جایز است اگر دسترسی به قاضی نداشتند از مال او به اندازه احتیاج

بردارند و اگر دسترسی دارند به او شکایت می‌برند و قاضی وی را ملزم به انفاق می‌کند. اگر امتناع ورزید او را به زندان می‌اندازد تا انفاق کند» (حلی، بی تا، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۴۹ و ۵۰). یوسف بحرانی در حدائق الناضره گفته است: «علما گفته‌اند: «اگر کسی که پرداخت نفقه بر او واجب است تعلل کند، قاضی او را مجبور می‌کند، اگر امتناع ورزید به زندان می‌افکنند. گفته شده است: قاضی مخیر است میان حبس و تأدیب تا خود انفاق کند یا این که از مال او اگر مال شخصی داشته باشد به مقدار نفقه بردارد و پرداخت کند و اگر لازم باشد چیزی از ملک و مالش بفروشد، جایز است چون حق نفقه واجب مانند دین است» (بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۱۳۸). در جواهر الکلام آمده: «اگر پرداخت نفقه واجب از کسی خواسته شود و او تعلل ورزد... قاضی او را از باب امر به معروف مجبور می‌سازد و اگر قاضی وجود نداشت؛ مؤمنان عادل او را وادار می‌کنند و اگر مؤمنان عادل وجود نداشتند فاسقان این کار را انجام می‌دهند. بنابر وجهی اگر خودداری کرد، قاضی وی را حبس می‌کند البته در صورتی که بدست آوردن نفقه به حبس متوقف باشد به دلیل مخفی بودن مالش مثلاً؛ اما اگر مالی آشکار داشت جایز است قاضی از آن ببرد و در نفقه خرجش کند و نیازی به رضایتش نیست؛ زیرا در این صورت حاکم ولی او است و نیازی به حبسش نیست تا اینکه خودش انفاق کند، ولی دلیلی بر این وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۰۰ق، ج ۳۱، ص ۳۸۸). در صورتی که بگوییم حبس در مورد کسی که حقوق دیگران را نمی‌دهد لازم است چنانچه امری مسلم است زندانی کردن شوهر در صورت دارا بودن و تعلل در پرداخت زندانی می‌شود. علاوه بر آن، روایاتی که در خصوص این مورد آمده است می‌تواند دلیل و شاهد آن باشد. روایات مورد استاد این دسته از فقها عبارتند از: الف- در مستدرک الوسائل روایت ذیل آمده: «أخبرنا عبدالله، أخبرنا محمد، حدثني موسى، قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده، عن علي (ع) قال: يجبر الرجل على النفقة على امرأته، فإن لم يفعل حبس» (نوری طبرسی، ۱۳۱۹ق، ج ۱۵، ص ۱۵۷؛ طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۲۶، ص ۵۷۵). ترجمه: ... امیر المومنین (ع) فرمود: مرد برای نفقه همسرش اجبار می‌شود، اگر انجام نداد زندانی می‌شود.

ب - در جعفریات آمده: «أخبرنا عبدالله، أخبرنا محمد، حدثني موسى، قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده، عن علي (ع): إن امرأة استعدت عليا (ع) على زوجها، فأمر علي (ع) بحبسه، و ذلك الزوج لا ينفق عليها إضراراً بها، فقال الزوج: احبسها معي، فقال علي (ع): ذلك لك، انطلقى معه» (اسماعيل، ص ۱۰۸؛ نوری طبرسی، ۱۳۱۹ق، ج ۱۳، ص ۴۳۲).

در این روایت آمده که زنی از حضرت علی (ع) علیه شوهرش شکایت کرد، حضرت دستور داد او را حبس کنند این شوهر نفقه همسرش را نمی‌داد تا به وی زیان رساند. شوهر آن

زن به حضرت گفت: همسر مرا با من حبس کن. حضرت فرمود: این حقّ توست و به زن گفت: همراه او بروید.

ج- در مسند زید آمده «حدثنی زید بن علی، عن أبيه، عن جدّه، عن علی (رضی الله عنهم) إنّهُ كان یحبس فی النّفقه و فی الدین و فی القصاص و فی الحدود و فی جمیع الحقوق» (البقال، ۱۳۹۵ق، ص ۲۶۵). در این روایت آمده که حضرت علی علیه السلام به سبب نفقه، بدهی، قصاص، حدود و تمام حقوق زندانی می‌کرد. این روایت بر حبس خودداری کننده از پرداخت نفقه اعم از نفقه همسر و خویشاوندان دلالت دارد. دو روایت قبل بطور صریح بر حبس شوهری که از پرداخت نفقه‌ی همسرش خودداری می‌کند دلالت دارند.

د- در تهذیب الاحکام آمده: «محمد بن علی بن محبوب، عن بنان، عن أبيه، عن عبدالله، عن السّکونی، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علی (ع): إنّ امرأه استعدت علی زوجها أنّه لا ینفق علیها و کان زوجها معسراً، فأبی علی (ع) أنّ یحبسه، فقال: إنّ مع العسر یسراً» (طوسی، ۱۴۰۱ق، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۹۹).

ترجمه: زنی از علی دادخواست که شوهرش نفقه او را نمی‌دهد. شوهر معسر و نادر بود. حضرت او را زندانی نکرد و به آیه: «إنّ مع العسر یسراً» استدلال کرد که با هر دشواری آسانی است.

شیخ طوسی این روایت نیز در جلد هفتم همان کتاب با این سند نقل کرده است: از ابن قولویه از پدرش از سعد از احمد بن محمد بن عیسی از پدرش از عبدالله بن مغیره از سکونی از امام صادق (ع) از... (همان، ج ۷، ص ۴۵۴)

مجلسی در روضه المتقین درباره این روایت گفته است: از جمله روایات روایتی است که شیخ طوسی آن را در روایات صحیح از عبدالله بن مغیره از سکونی از امام صادق (ع) از... نقل کرده است (مجلسی، ۱۳۷۱ق، ج ۶، ص ۸۴). منطوق این روایت این است که شوهر در صورتی که نادر و معسر باشد به او مهلت داده می‌شود و حبس نمی‌شود. مفهوم این است که اگر دارا باشد و از پرداخت نفقه خودداری کند زندانی می‌شود.

ممکن است گفته شود زوج معسر در صورتی زندانی می‌شود که سبب اعسارش خرج کردن اموالش در راه حرام و معصیت باشد و نسبت به نفقه زنش بی تفاوت بوده؛ این امر از فحوای سخن ابوصلاح حلبی در الکافی (حلبی، بی تا، ص ۳۳۱) در باره مطلق بدهکار معسر استفاده می‌شود. لذا می‌توان اطلاق آیه اعسار را تقیید زد به اینکه حبس زوج معسر جایز نیست مگر این که مالش را در راه معصیت و حرام خرج کرده باشد؛ ولی این اظهارات دارای مستند روایی نیست و از باب استحسان عقلی است.

۱-۲. دسته دوم: وادار کردن زوج به پرداخت نفقه

به نظر این دسته قاضی می‌تواند شوهر را وادار و مجبور کند تا نفقه همسرش را پرداخت کند. از جمله این دسته از فقها شهید اول و دوم است که گفته‌اند: «کسی که نفقه بر او واجب است از پرداختن آن خودداری کند قاضی او را به انجام آن مجبور می‌سازد و اگر مالی داشته باشد آن را به فروش رسانده و خرج نفقه می‌کند» (جبعی عاملی، ۱۳۹۶ق، ج ۵، ص ۴۸۱). امام خمینی (ره) فرموده: «کسی که نفقه بر او واجب است و از پرداخت آن خودداری کند قاضی وی را مجبور می‌کند و اگر قاضی وجود نداشته باشد، مؤمنان عادل او را مجبور می‌سازند و اگر مؤمنان عادل وجود نداشته باشند فاسقان او را به انجام این کار مجبور می‌کنند، و اگر اجبار او ممکن نباشد و مالی داشته باشد که واجب النفقه بتواند به اندازه نفقه تقاص کند، تنها برای زوجه تقاص جایز است و برای خویشان دیگر جایز نیست مگر با اجازه‌ی قاضی» (امام خمینی، ج ۲، ص ۳۲۳). سید ابوالحسن اصفهانی گفته است: «گر کسی که نفقه بر او واجب است از انفاق خودداری کند قاضی وی را مجبور می‌کند و اگر قاضی نباشد، مؤمنان عادل او را به این کار مجبور می‌کنند» (اصفهانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۵).

یکی از مصادیق مجبور کردن شوهر در پرداخت نفقه همسر، حبس کردن اوست. البته فقهای دسته اول که قایل به حبس زوج ممتنع از ادای نفقه شده‌اند، همین نظر را داشتند؛ یعنی نخست قاضی می‌تواند او را مجبور کند، و اگر نیز امتناع ورزد او را به زندان می‌افکنند.

۱-۳. دسته سوم: ملزم کردن زوج به یکی از دو امر انفاق یا طلاق

این دسته قایل هستند به این که قاضی، زوج را به یکی از دو امر انفاق یا طلاق ملزم می‌کند و اگر انجام نداد قاضی از طرف او طلاق می‌دهد. ابوالقاسم خوئی در منهاج الصالحین در این باره چنین فتوایی داده است: «اگر زوج دارا از انفاق خودداری کند جایز است زن به قاضی شرع شکایت کند. قاضی او را به انفاق یا طلاق ملزم می‌کند. اگر از هر دو خودداری کرد و برای قاضی امکان نداشت از مالش بردارد، می‌تواند زن را طلاق دهد و تفاوتی ندارد که شوهر حاضر باشد یا غایب» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۲۴).

روایات آمده نظر این دسته از فقها را مورد تأیید قرار می‌دهد که عبارتند از: «روی عاصم بن حمید عن ابی بصیر قال سمعت أبا جعفر (ع) يقول من كانت عنده امرأة فلم یکسها ما یواری عورتها و یطعمها ما یقیم صلیها کان حقاً علی الامام ان یفرق بینهما» (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۲۶، ص ۵۷۶).

ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت کرده که فرموده هر کس همسری داشته باشد پوشش و لباس و غذای او را ندهد بر امام واجب است آن دو را از هم جدا کند. و به همین مضمون دو روایت دیگر در جامع احادیث الشیعه آمده است (طباطبائی بروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۲۶، ص ۵۷۶).

۲-۱. نظرات علمای اهل سنت درباره حکم زوج ممتنع از پرداخت نفقه

آرای فقهای اهل سنت درباره شوهری که از پرداخت نفقه خودداری می‌کند به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱-۲-۱. دسته اول: حبس زوج بطور مطلق گرچه معسر باشد

زوج حتی در صورت اعسار نیز حبس می‌شود؛ به نظر این دسته از علما زوج حبس می‌شود حتی در صورتی که ناتوان باشد و قدرت پرداخت نفقه را نداشته باشد؛ نخست آرای این دسته ارائه می‌شود. سپس مورد نقد قرار می‌گیرد؛ از جمله‌ی این دسته از علما: نزوی گفته است: «اگر زوج از دادن پوشش و نفقه‌ی همسرش ناتوان باشد، لازم است زندانی شود تا نفقه‌ی او را پرداخت کند و عذری ندارد، این مانند بدهی نیست که مهلت داشته باشد تا دارا شود و قدرت پیدا کند.» (نزوی کندی، بی تا، ص ۵۳).

صنعانی بعد از این که اقوالی در این زمینه نقل کرده است گفته: «قول سوم این است زوج در صورتی که معسر و نادر باشد زندانی می‌شود تا مالدار شود، و این قول عنبری است. هادویه گفته‌اند: حبس می‌شود تا دنبال کسب کردن برود» (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۴۶۰).

البته صنعانی بعد از نقل اقوال، دو قول مزبور مبنی بر حبس شوهر در صورت اعسار رد می‌کند، ایشان می‌گویند: «هر دو قول مشکل است؛ زیرا واجب، نهار و شام در وقت خودش است پس در وقت خود واجب است. بنابراین اگر حبس در اثنای وجوب واجب باشد مانع از آن می‌شود و منجر به نقض غرض می‌شود، و اگر قبل از آن باشد دیگر وجوبی در کار نیست پس چگونه برای غیر واجب حبس می‌شود، و اگر بعد از آن باشد مانند بدهی می‌شود که در صورت ظهور اعسار اتفاق نظر علما است که حبس نمی‌شود.» (صنعانی، همان). به نظر شوکانی تنها در صورتی که زوج از کوشش و دنبال کردن اسباب رزق کوتاهی کرده باشد درست است که گفته شود زوج ناتوان از پرداخت نفقه حبس می‌شود و در غیر اینصورت قول به حبس در نهایت ضعف است. ایشان بعد از نقل روایت عنبری گفته است: «این نظر در نهایت ضعف است؛ زیرا تحصیل رزق برایش مقدور نیست در صورتی که نتواند به خواسته‌ی خود دست یابد و تمام درها به رویش بسته باشد، مگر اینکه بگوییم او از دنبال کردن اسباب رزق و تلاش برای آن کوتاهی می‌کند درحالی که توان آنرا دارد در این صورت این قول موجه خواهد بود.»

(شوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۶، ص ۳۲۶). مستند این دسته از علما روایتی است که از طرق اهل سنت آمده که شوهر به علت ترک نفقه حتی در صورت ناداری حبس می‌شود، این روایت در نیل الاوطار چنین است: «روی عبدالله بن الحسن العنبری، إن الزوج إذا أعسر عن النفقة، حبسه الحاكم حتى يجلدها.» (شوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۵، ص ۳۲۶). اگر شوهر نتوانست نفقه همسرش را بدهد، قاضی وی را زندانی می‌کند تا توانا شود. مفاد این روایت باروایت سکونی که از طرق شیعه نقل شده منافات دارد؛ زیرا براساس روایت سکونی اگر زوج معسر باشد زندانی نمی‌شود، با مفاد آیه‌ی انظار «ان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة» (سوره بقره، ۲۸۰) نیز منافات دارد. بنابراین، آیه و روایت سکونی براین روایت مقدم می‌شوند و نمی‌شود به این روایت عمل کرد. در روایتی دیگر آمده: عصبه کودک (خویشاوندان مرد) به علت ترک نفقه‌ی وی حبس می‌شوند، می‌توان به این روایت برحبس هر خودداری کننده‌ای از پرداخت نفقه‌ی واجب خواه شوهر باشد و خواه غیرشوهر باشد استناد کرد، این روایت چنین است: «عن ابن جریج، عن عمرو بن شعيب، عن سعيد بن المسيب: إن عمر حبس عصبه صبي أن ينفقوا عليه، الرجال دون النساء» (ابن حزم اندلسی، ۱۹۶۷م، ج ۱۰، ص ۱۰۲). در این روایت آمده که عمر خویشان کودکی را حبس کرد تا نفقه‌ی او را بدهند، البته مردان را نه زنان.

۱-۲-۲. دسته دوم: حبس زوج دارا در صورت امتناع از پرداخت نفقه

به نظر این دسته از علما، شوهری که مالدار باشد و توانایی پرداخت نفقه داشته باشد و خودداری کند زندانی می‌شود. سرخسی از فقهای این دسته گفته است: «اگر قاضی نمی‌داند که شوهر معسر و نادر است و زن به جهت ندادن نفقه، درخواست حبس او را کند، در مرتبه اول قاضی او را زندانی نمی‌کند؛ زیرا حبس مجازاتی است که ظالم سزاوار آن است و در ابتدا و مرتبه اول، ظلم او آشکار نیست پس وی را حبس نمی‌کند، ولی دستور می‌دهد نفقه زن را پرداخت کند و به او خبر می‌دهد اگر نفقه نداد حبس می‌شود. اگر زن دو بار یا بیشتر شکایت کرد قاضی او را حبس می‌کند؛ زیرا با خودداری کردن از دادن حق واجب، ظلم او آشکار می‌شود. اما اگر بداند شوهر نادر است، او را رها می‌کند، زیرا نادر مستحق فرصتی است تا دارا شود و در صورت ناتوانی ظالم نیست... و اگر دارا باشد او را آزاد نمی‌کند تا زمانی که نفقه و دین را می‌پردازد» (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۸۸).

به نظر احمد بن یحیی در عیون الازهار اگر زوج از پرداخت نفقه همسرش خودداری و تمرد کند قاضی می‌تواند وی را حبس کند تا اینکه کسب کند و نفقه زن را پرداخت کند البته این حبس می‌تواند بعنوان مجازات باشد تا این که دنبال کسب برود و از تمرد دست بردارد. ایشان گفته است: «قاضی از مال غایب به عنوان کفیل نفقه زن می‌دهد و از مال

خودداری کننده و متمرّد نیز پرداخت می کند و او را حبس می کند تا کسب کند» (المرتضی، بی تا، ص ۲۴۱).

بهوتی گفته است: «اگر شوهر امتناع ورزد قاضی او را مجبور می کند تا نفقه پرداخت کند. اگر باز هم خودداری کرد او را حبس می کند یا این که از مال او روزانه اگر امکان داشته باشد بر می دارد و به زن می دهد؛ زیرا در صورت خودداری از نفقه واجب و سایر بدهی ها قاضی بمنزله جانشین او است، و اگر غیر از کالا یا ملک، چیز دیگری نیافت آن را می فروشد و از آن نفقه اش می دهد» (بهوتی، ۱۳۱۹ق، ج ۳، ص ۲۵۳).

مشهور فقهای اهل سنت قایل به حبس زوج در صورتی که دارا باشد و از نفقه‌ی همسرش خودداری کند شده‌اند (ابوغده، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، ص ۲۱۶). حنفیه و حنبلیه نیز قایل به حبس چنین شوهری شده اند مگر این که مال مشخص داشته باشد که بتوان از آن نفقه زن را پرداخت کرد (ابن قدامه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۵۷۵).

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه آمده: «حنفیه گفته‌اند: اگر زوج دارا باشد زن حق دارد از مال او برای مخارج خود بفروشد، و اگر مال در دسترس نبود او را حبس می کند تا نفقه دهد. اما اگر نادر باشد ولی پسری متمکن از غیر آن زن یا عمویی داشت که متمکن بود یا زن، برادر یا عمویی داشت که متمکن بودند، لازم است نفقه زن را پرداخت کنند و اگر خودداری کردند حبس می شوند تا نفقه بدهند، ولی از آنجا که نفقه بر زوج واجب بوده نه خویشاوندان، هر گاه مرد دارا شد باید هر چه پرداخت کرده اند به ایشان باز پس دهد» (جزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۸۱).

مالکی ها در این زمینه دو نظر دارند؛ بنابر یک نظر زوج حبس می شود و بنابر نظری دیگر قاضی از طرف او طلاق می دهد. در الفقه علی المذاهب الاربعه آمده: «مالکی ها: اگر زوج مدعی، توانگر بود ولی از پرداخت نفقه امتناع ورزد بعضی گفته‌اند: زوج حبس می شود تا نفقه دهد و بعضی گفته‌اند: قاضی از طرف او طلاق می دهد» (همان، ص ۵۸۵). شافعیه قایل به عدم جواز حبس شده‌اند (بقاعی، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م، ج ۲، ص ۲۰۸).

۱-۲-۳. دسته سوم: فسخ عقد بوسیله زن

به نظر این دسته از علما زن می تواند عقد را فسخ کند و یا این که قاضی او را طلاق دهد؛ لذا نیازی به زندانی کردن زوج نیست. به نظر بعضی از مالکی ها در صورت خودداری زوج توانگر از پرداخت نفقه، قاضی از طرف او طلاق می دهد (جزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۸۵). بهوتی گفته است: «اگر زوج مالش را پنهان کرد و حاضر شد حبس بکشد، زن می تواند عقد نکاح را فسخ کند، زیرا در این صورت مثل شخص معسر، نفقه دادن به زن ممکن نیست» (بهوتی، ۱۳۱۹ق، ج ۳،

ص ۲۵۳). به نظر شافعیه زوجه حق درخواست حبس زوج را ندارد؛ زیرا بر وی واجب نیست صبر کند و در عقد او باقی بماند در صورتی که زوج از پرداخت نفقه امتناع ورزد (بقاعی، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م، ج ۲، ص ۲۰۸). نظر این دسته از فقها مبنی بر این که اگر زوج مالدار از پرداخت نفقه خود داری کند حبس نمی‌شود؛ زیرا زن می‌تواند عقد را فسخ کند بدون دلیل است، چون عیوب و موجبات فسخ عقد نکاح در شریعت مشخص و معین شده و عدم پرداخت نفقه از آن عیوب نمی‌باشد.

۴-۲-۱. دسته چهارم: حبس شوهر تا این که یکی از دو امر پرداخت نفقه یا طلاق اختیار کند

زوج حبس می‌شود تا این که یکی از دو مورد پرداخت نفقه و یا طلاق را انتخاب کند. به نظر بعضی از علما اگر شوهر از دادن نفقه خودداری کند، قاضی او را حبس می‌کند تا این که یکی از دو کار انفاق یا طلاق انتخاب کند. کندی گفته است: «اگر نفقه زن را نه عبد و نه مولایش هیچ یک ندادند آیا مولا زندانی می‌شود تا این که نفقه را پرداخت کند یا طلاق دهد؟ می‌گوییم: آری مولا زندانی می‌شود تا نفقه را پرداخت کند یا طلاق دهد» (نزوی کندی، بی تا، ص ۲۱۷).

۳-۱. حکم نفقه زوجه در صورتی که یکی از زوجین زندانی باشد.

۱-۳-۱. زوجه زندانی باشد

آیا در این صورت نفقه زن بر شوهرش واجب است؟

شافعیه و حنبلیه گفته‌اند: نفقه زوجه بر زوج واجب نیست زیرا تمکین که مقابل نفقه است امکان ندارد (رملی، ۱۳۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ ابن عابدین، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م، ج ۳، ص ۵۷۸). بعضی از شافعیه گفته‌اند: اگر حبس زن به سبب تعلل در پرداخت بدهی نباشد نفقه به او تعلق می‌گیرد خواه زندانی شدن او به سبب طلب شوهر باشد یا به سبب طلب فرد دیگری باشد (انصاری، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۴۴). به نظر مذهب مالکی اگر حبس زن به جهت خودداری کردن از پرداخت بدهی باشد نفقه به او تعلق نمی‌گیرد، و اگر حبسش به سبب اعسار و ناتوانیش باشد بر زوج واجب است نفقه اش را بدهد؛ زیرا سبب فوت تمکین از جهت زن نبوده است (دردیر، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۷). به نظر حنفیه، نفقه به زوجه تعلق نمی‌گیرد مگر این که زندانی شدن زن به سبب طلب شوهرش باشد یا این که شوهر دسترسی به زنش در زندان داشته باشد یعنی بتواند در زندان با او خلوت کند (ابن هماد حنفی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۳۸۵؛ ابن عابدین، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م، ج ۳، ص ۵۷۸).

۱-۳-۲. زوج زندانی باشد

بعضی از فقهای اهل سنت گفته‌اند: نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد، اگر زندانی شدن شوهر به سبب حق زن باشد؛ زیرا زوجه باعث فوت تمکین بوده است (انصاری، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۴). مالکیه و حنفیه گفته‌اند: نفقه ساقط نمی‌شود؛ زیرا ممکن است زوج دارای مالی بوده و آن را پنهان کرده باشد (ابن عابدین، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م، ج ۵، ص ۳۹۰). اگر زوج محبوس دارای مال مشخص و معلوم باشد زن نفقه اش را از آن بر می‌دارد و اگر معسر یا دارا باشد و از پرداخت نفقه خودداری کرده باشد و دارای مال مشخص نباشد زوجه حق درخواست طلاق دارد (ابوغده، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، ص ۴۶۲).

ابوغده گفته است: در حالی که زندانی در پرداخت نفقه ناتوان باشد قواعد و اصول شریعت اقتضا دارند نفقه اش بر خویشاوندان ثروتمند او باشد (ابوغده، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، ص ۴۶۳). در کتاب «احکام السجن و معامله السجناء» آمده: «نظر برگزیده نزد بسیاری از فقها این است که: اگر شوهر محبوس، معسر باشد یا دارا ولی مال مشخص و ظاهری نداشته باشد که نتوان نفقه‌ی زن از آن پرداخت کرد و زن درخواست طلاق کند، قاضی بعد از دادن مهلت به زوج محبوس، طلاق زن را می‌دهد؛ زیرا زن به دلیل ندادن نفقه متضرر می‌شود و زیان به او می‌رسد و اگر زوج مالدار، مالی مشخص داشته باشد از آن نفقه زن داده می‌شود و قاضی رد درخواست طلاق می‌کند. حنفیه گفته‌اند: زن کسی که معسر است طلاق داده نمی‌شود بلکه به او گفته می‌شود از طرف شوهرش قرض کند؛ زیرا حق ضعیف تر او، حق قویترش را باطل نمی‌کند...» (همان، ص ۴۶۵).

۲. مدت حبس زوج ممتنع از پرداخت نفقه

علما در مورد مدت حبس چنین شوهری نظرات مختلف دارند. بعضی از علمای اهل سنت کمترین مدت زندان یعنی یک ماه را معین کرده‌اند و بعضی دیگر از آنان شش ماه و تعدادی دیگر قایل به بین دو ماه و چهار ماه شده‌اند. ولی فقهای شیعه آن را به پرداخت نفقه مقید کرده‌اند؛ یعنی شوهر حبس می‌شود تا نفقه را پرداخت کند؛ چنانچه در مباحث گذشته بطور مفصل بیان شد. به نظر سرخسی از علمای اهل سنت در حبس مقدار خاص لازم نیست؛ زیرا حبس برای به تنگ آمدن خودداری کننده از پرداخت نفقه است و افراد معمولاً در این بعد با هم تفاوت دارند. بنابراین بهتر است نظر قاضی را ملاک قرار داد. سرخسی گفته است: «زمانی که قاضی فردی را به سبب نفقه یا بدهی دو یا سه ماه زندانی کرد، خوب است سراغ او را بگیرد و از او جستجو کند. در برخی موارد چهار ماه ذکر شده است. در روایت حسن از ابوحنیفه آمده: مدت حبس شش ماه است. طحاوی از ابوحنیفه نقل کرده است که کمترین

مدت زندان یک ماه است. پس لازم نیست مدتی خاص و معین را تعیین کرد؛ زیرا غرض از حبس در تنگنا قرار دادن است و افراد معمولاً در این زمینه با هم تفاوت دارند. بنابراین، رأی و نظر قاضی ملاک است تا زمانی که قاضی احساس کند با آن مدت، فردی که نفقه بر او واجب است به تنگ آمده و اموالش را آشکار می‌کند او را زندانی می‌کند» (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۸۸).

نتیجه

از مطالعات و نقد و بررسی انجام گرفته در باره موضوع مقاله حاضر نتایج ذیل بدست آمده است:

الف- شوهر در صورتی که از پرداخت نفقه خودداری کند زندانی می‌شود؛ مشروط بر این که توان مالی داشته باشد. اما اگر معسر باشد براساس روایات و آیه اعسار حبس وی جایز نیست. اما چنانچه اموالش را در راه حرام و معصیت خرج کرده باشد، زندانی می‌شود و با آیه اعسار قابل جمع است؛ مبنی بر این که اطلاق آیه را مقید می‌شود به صورتی که معسر اموالش را در راه حرام و معصیت و لهو و لعب خرج نکرده باشد بدون دلیل است.

ب- نظر دسته سوم از فقهای اهل سنت مبنی بر این که اگر زوج مالدار از پرداخت نفقه خودداری کند حبس نمی‌شود؛ زیرا زن می‌تواند عقد را فسخ کند بدون دلیل است؛ چون عیوب موجب فسخ عقد نکاح در شریعت معین و مشخص شده، و عدم پرداخت نفقه از آن عیوب و موجبات نیست.

ج- فقهای اهل سنت در این باره بر چهار دسته اند: به نظر دسته‌ی اول زوج حتی اگر معسر و تنگدست باشد نیز زندانی می‌شود. این نظر مردود است زیرا با آیه اعسار و روایت سکونی منافات دارد. دسته دوم قایل شده‌اند به این که زوج مالدار و توانگر در صورت خودداری از پرداخت نفقه حبس می‌شود. به نظر دسته سوم زن می‌تواند عقد را فسخ کند و یا این که قاضی او را طلاق دهد. به نظر بعضی از مالکیه در صورت خودداری کردن زوج توانگر از پرداخت نفقه، قاضی از طرف او طلاق می‌دهد. نظر دسته چهارم این است که زوج حبس می‌شود تا زمانی که یکی از دو امر پرداخت نفقه یا طلاق را انتخاب کند.

د- فقهای شیعه درباره زندانی کردن زوج در صورت امتناع از پرداخت نفقه بر سه دسته می‌باشند؛ دسته‌ای به حبس چنین شوهری فتوا داده‌اند؛ دسته‌ای دیگر گفته‌اند: قاضی چنین شوهری را وادار می‌سازد تا نفقه همسرش را پرداخت کند؛ و یکی از راههای وادار کردن او به پرداخت نفقه، حبس است. دسته سوم قائل به تفصیل شده‌اند به این صورت که قاضی او را به یکی از دو امر انفاق یا طلاق ملزم می‌کند و اگر امتناع ورزد قاضی از طرف وی طلاق می‌دهد.

ه- نظر دسته اول فقهای شیعه مبنی بر زندانی کردن زوج در صورتی که توان پرداخت نفقه را داشته باشد با نظر دسته دوم از فقهای اهل سنت یکسان است. این نظر وجیه و درستی است که باید نفقه زن از اموال زوج پرداخت شود.

و- نظر دسته سوم فقهای شیعه با نظر دسته چهارم علمای اهل سنت مبنی بر این که شوهر به یکی از دو امر طلاق یا پرداخت نفقه ملزم می‌شود؛ سازگار است و در صورتی که خودداری کند قاضی از طرف او طلاق می‌دهد چنانچه بعضی از مالکی‌ها گفته‌اند.

ی- اهل سنت در باره نفقه زوجه در صورتی که یکی از زوجین زندانی باشد نظرات مختلف دارند: الف. زن زندانی باشد به نظر مفتیان حنبلی و بعضی از علمای شافعی نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا تمکین که مقابل نفقه است، امکان ندارد. بنابراین، شوهر زندانی نمی‌شود. این نظر درستی نیست؛ زیرا چنین زنی حکم نشوز ندارد و به نظر بعضی دیگر از شافعیان اگر حبس زن به سبب تعلل در پرداخت بدهی نباشد نفقه به او تعلق می‌گیرد. بنابراین، اگر شوهر از پرداخت نفقه امتناع ورزد، زندانی می‌شود. به نظر مفتیان مالکی اگر زن به سبب اعسار زندانی شده باشد نفقه اش بر زوج واجب است؛ زیرا فوت تمکین از جانب زن نبوده است. ولی اگر سبب حبسش به دلیل خودداری از پرداخت بدهی باشد و معسر نباشد نفقه به او تعلق نمی‌گیرد. بنابراین، در صورت اول، اگر زوج از پرداخت نفقه خودداری کند، زندانی می‌شود برخلاف صورت دوم. به نظر حنفیه، نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد مگر این که زندانش به سبب طلب شوهر باشد یا این که بتواند با زنش که زندانی است خلوت کند.

دو- شوهر زندانی باشد؛ به نظر بعضی از مفتیان اهل سنت اگر زندانی شدن زوج به سبب عدم ادای حق زن باشد نفقه به او تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا زن موجب فوت تمکین شده است. به نظر مالکیه و حنفیه نفقه ساقط نمی‌شود؛ وزن می‌تواند نفقه‌اش از مال شوهر بردارد و اگر معسر باشد یا این که مالش مشخص نباشد زوجه حق درخواست طلاق دارد. بعضی از مفتیان اهل سنت گفته‌اند: در صورتی که زندانی معسر باشد و توان پرداخت نفقه نداشته باشد قواعد و اصول شریعت اقتضا دارد که نفقه‌ی وی بر خویشاوندانش واجب باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابوغده، حسن (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م)، السَّجْنُ وَ مَعَامِلَةُ السَّجْنَاءِ فِي الْإِسْلَامِ، کویت: مکتبه المنار.
۲. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۹۶۷م)، المحلی، مصر: مکتبه الجمهوریه.
۳. ابن عابدین، محمد امین (۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م)، ردالمحتار علی الدر المختار (حاشیه ابن عابدین)، قاهره: مصطفى الحلبي.
۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، المغنی فی الفقه، قاهره: دار الهجر.
۵. ابن همام، کمال الدین محمد عبدالواحد بن عبدالحمید (۱۳۸۹ق)، فتح القدير، قاهره: طبع مصطفى البابی الحلبي.
۶. اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) (بی تا)، الجعفریات، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۷. الانصاری، زکریابن محمد (۱۳۱۳ق)، أَسْنَى الْمَطَالِبِ شَرْحُ رَوْضَةِ الطَّالِبِ، مصر: المطبعة المیمینیه.

٨. اصفهانی، ابوالحسن (بی تا)، *وسيله النجاة*، مطبعة الآداب، نجف..
٩. بقاعی، عمر بركات (١٣٧٥ ق/١٩٥٥م)، *فیض الاله المالک فی حل ألقاظ عمدہ السالک*، مصر: مطبعة الاستقامة.
١٠. البقال، عبدالعزیز (١٣٩٥ق)، *مسند زید*، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
١١. بهوتی، منصور بن یونس (١٣١٩ق)، *دقائق اولی النهی لشرح المنتهی* (شرح منتهی الارادات)، مصر: المطبعة العامرة الشریفه.
١٢. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، (بی تا)، قم: انتشارات اسماعیلیان.
١٣. جزیری، عبدالرحمن (١٤٠٦ق)، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
١٤. جبعی عاملی، زین الدین (١٣٩٦ ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللعمه الدمشقیه*، تعلیق و تصحیح سیدمحمد کلانتر، قم: انتشارات علمیه.
١٥. حلبي، ابو صلاح (بی تا)، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، مکتبه امیر المؤمنین (ع). ١٦. حلبي، حسن بن یوسف (١٤١٣ ق)، *قواعد الاحکام*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٧. حلبي، جعفر بن الحسن (١٣٨٩ق)، *شرائع الاسلام*، النجف الاشرف: مطبعة الآداب.
١٨. حلبي، حسن بن یوسف (بی تا)، *تحریر الاحکام*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٩. درردیر، احمدین محمد عدوی (بی تا)، *الشرح الکبیر (منح القدير علی مختصر خليل)*، قاهره: مطبعة عیسی البابی الحلبي.
٢٠. رملي، محمدین احمد (١٣١٣ق)، *حاشیه الرملي علی اسنی المطالب*، مصر: الطبعه المیمینیه.
٢١. سرخسی، محمدین احمد شمس الدین ابوبکر (١٤٠٦ق)، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه.
٢٢. شوکانی، محمدین علی (١٩٧٣م)، *نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار*، بیروت: دارالجیل.
٢٣. صنعانی، محمدین اسماعیل (١٣٧٩ق)، *سبل السلام شرح بلوغ المرام*، مصر: طبع مصطفی الحلبي.
٢٤. طوسی، محمدین الحسن (١٤٠١ق)، *تهذیب الاحکام*، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
٢٥. طوسی، محمدین حسن (١٤١٧ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: نشر صدوق.
٢٦. طوسی، محمدحسن (١٤٠٩ق)، *الخلاف*، طهران: تابان.
٢٧. طباطبائی بروجردی، حسین (١٣٩٩ق)، *جامع احادیث الشیعه*، قم: المطبعة العلمیه.
٢٨. مجلسی، محمدتقی (١٣٧١ق)، *روضه المتقین*، تهران: نشر بنیاد فرهنگ اسلامی.
٢٩. موسوی خمینی، روح الله (١٣٩٠ق)، *تحریر الوسیله*، نجف: مطبعة الآداب..
٣٠. موسوی خوئی، ابوالقاسم (١٤١٠ق)، *منهاج الصالحین*، قم: انتشارات مهر.
٣١. المرتضی، احمدین یحیی (بی تا)، *عیون الازهار*، لبنان: دارالکتاب اللبنانی.
٣٢. منصور، جهانگیر (١٣٩٠)، *قانون مدنی*، تهران: نشر دیدار.
٣٣. نوری طبرسی، میرزا حسین (١٣١٩ق)، *مستدرک الوسائل*، تهران: انتشارات میرزا محمود تاجر.
٣٤. نجفی، محمدحسن (١٤٠٠ق)، *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٣٥. نزوی کندی، احمدین عبدالله (بی تا)، *المصنّف*، عمان: انتشارات وزارت اوقاف عمان.